

1390/10/11

|گفت‌وگو با حجت‌الاسلام ثمری|

۹دی نمره‌ی تقوای اجتماعی مردم بود

[مشاهده آلبوم تصاویر]

✦ از 22 خرداد 1388 تا 9دی این سال، فضای سیاسی کشور با یک دگرگونی نسبتاً گسترده روبه‌رو شد، اما حضور میلیونی مردم در 9دی فضا را به کلی تغییر داد، تحلیل شما از چرایی این حادثه چیست؟

درباره‌ی چرایی این حادثه یک نکته‌ی خیلی ظریف وجود دارد که این مسئله از دید دشمنان مخفی مانده و آن توجه به نوع شناخت مردم جامعه‌ی ما از دین است. مردم ایران دین را به تمام معنی از فرهنگ عاشورایی گرفته‌اند، مردم ما می‌خواهند روش زندگی خود را مطابق روش و منش حسین علیه‌السلام قرار دهند. هشت سال دفاع مقدس را هم با همین شیوه به دورانی پر از عزت و اقتدار و صلابت و شوکت تبدیل کردند. اصلاً درافتادن این مردم با نظام طاغوتی پهلوی نیز منبعت و ملهم از نهضت ابا عبدالله‌الحسین علیه‌السلام و برداشتی منطقی و قابل درک از حرکت آن بزرگوار بود. در قضایای مربوط به فتنه دشمنان ما از این رابطه‌ی عمیق مردم ایران با ابا عبدالله علیه‌السلام غفلت کردند و دلدادگی و عشق مردم به آن حضرت را کوچک شمردند.

مردم ما پیرو فرهنگی هستند که حضرت ابا الفضل العباس علیه‌السلام یکی از نمادهای عشق و ایثار و وفاداری و جانبازی آن است. عباسی که روز عاشورا شعار داد: «و الله ان قطعتموایمینی اتی احمای ابدآ عن دینی و عن امام صادق یقینی»¹. بنابراین در فرهنگ مردم ما دین و امامت ممزوج با یکدیگرند و ولایت عین دین است. دیندار واقعی کسی است که نسبت به ولی خدا مودت داشته باشد و خودش را سرباز او بداند.

وقتی مردم دیدند که عده‌ای در برهه‌هایی از فتنه، مثلاً در روز قدس یا در روز عاشورا و در مواردی دیگر به شعائر دینی بی‌حرمتی کردند، مثلاً روزه‌خواری کردند یا شعارهایی مخالف با آرمان‌های انقلاب اسلامی سردادند و به حقیقت دین که همانا حضرت سیدالشهدا علیه‌السلام است، جسارت کردند، متوجه عمق توطئه‌های دشمنان خارجی و غفلت برخی خواص داخلی شدند و برای مقابله با آن به خیابان آمدند.

حرکت 9دی به برکت تقوای

اجتماعی مردم صورت گرفت وگرنه در آن وضعیت ایام فتنه، هیچ کسی، نه در خارج کشور و نه در داخل نظام، توقع چنین حضوری از مردم نداشت. قرار بود مراسم خیلی معمولی برگزار شود، اما مردم همه را شگفت‌زده کردند.

خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «یا ایها الذین آمنوا اصبروا و صابروا و رابطوا و اتقوا الله لعلکم تفلحون»². مرحوم شیخ حرّ عاملی در کتاب شریف وسائل‌الشیعه قریب پانزده روایت از امام صادق علیه‌السلام درباره‌ی این آیه نقل کرده است که حضرت در آنها می‌فرمایند: «إصبروا علی أداء الفرائض و صابروا عدوكم و رابطوا امامكم (المنتظر)»³ بر انجام واجبات صبر کنید و با دشمنانتان پایداری کنید و پیوند خود را با امام منتظران مستحکم نمایید. یعنی ارتباط را پیوسته با ائمه‌ی اطهار علیهم‌السلام رصد کن. عبارت «و اتقوا الله» هم در این‌جا به معنی مراقبت است. امام صادق علیه‌السلام فرمودند: تقوای واقعی تقوایی است که انسان به واسطه‌ی آن مراقبت کند در جایی که خدا به حضور در آن‌جا امر کرده، هیچ‌گاه غایب نباشد و در جایی که از حضور در آن‌جا نهی کرده، حاضر نباشد.

✦ اما بعضی‌ها با این که اذعان دارند به این مسئله، منتها باز در مقام عمل و در تشخیص مصداق دچار اشتباه می‌شوند. چه باید کرد که حتی‌المقدور مصادیق را هم درست بشناسیم و دچار خطاهای بزرگ نشویم؟

خداوند در این باره یک راهنمایی به ما کرده است. تعبیر صریح قرآن این است که «إِنَّ الذین اتقوا إِذَا مَسَّهُمْ طَآئِفٌ مِّنَ الشَّیْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُم مُّبْصِرُونَ»⁴ کسانی که مراقبت کنند و مواظب باشند تا در حد توانشان به مظاهر دنیا آلوده نشوند و در مسیر زندگی آن‌گونه که خدا خواسته قدم بردارند، خدا هم در لحظه‌های حساس که شیطان و شیاطین او را وسوسه می‌کنند تا سره را از ناسره تشخیص ندهد، حق و باطل را در چشم او ترکیب می‌کنند تا دچار اشتباه شود، خداوند متعال وعده داده است که «إِذَا هُم مُّبْصِرُونَ». در این هنگام بصیرتی به آنها می‌دهد که راه درست را تشخیص می‌دهند.

بنابراین می‌توان گفت که حرکت 9دی به برکت تقوای اجتماعی مردم صورت گرفت وگرنه در آن وضعیت ایام فتنه، هیچ کسی، نه در خارج کشور و نه در داخل نظام، توقع چنین حضوری از مردم نداشت. قرار بود مراسم خیلی معمولی برگزار شود، اما مردم همه را شگفت‌زده کردند. چنانچه حتی صداوسیما هم آمادگی لازم برای پوشش تصویری این حضور عظیم را نداشت.



[مشاهده آلبوم تصاویر]

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای

شاخص دیگر که قبلاً هم به آن اشاره‌ای کردم و هدیه‌ی خداوند به ما و حاصل قیام حضرت سیدالشهدا علیه‌السلام است، توجه ما به اقبال و اِدبار ولیّ خدا نسبت به مسائل در جامعه است. امروز که ما در دوران غیبت ولی‌الله مطلق، حضرت بقیة‌الله عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف زندگی می‌کنیم، باید به فرموده‌ی ایشان عمل کنیم که: «فقها حجت من بر شما و من حجت خدا بر آنها هستیم.» شاخص ما «ولایت فقیه» است و توجه به رفتار و گفتار ولیّ خدا که در جایگاه امام علیه‌السلام نشسته است. تبعیت از چنین ولی‌ای حسب امر حضرت حجت عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف و طبق دلایل عقلی و نقلی، در حکم تبعیت از امام معصوم علیه‌السلام است. بنابراین ما باید پیوسته مراقب خودمان باشیم و پیوسته وضعیت خودمان را رصد کنیم. البته آن ولی خدا هم با توجه به شرایطی که در او احراز شده، به این جایگاه رسیده است و بقای حضور او در این جایگاه منوط به وجود آن ویژگی‌ها در او است. ولیّ یک شخصیت حقوقی دارد که شرط اول آن عدالت است و یک شخصیت حقیقی دارد که باید مصداق «صائناً لنفسه حافظاً لدينه مخالفاً لهواه مطيعاً لأمر مولاه»⁵ باشد.

در جنگ جمل وقتی

امیرالمؤمنین علیه‌السلام با زبیر حرف زد، زبیر فهمید که اشتباه کرده است و گفت «آقا! من با تو نمی‌جنگم و الان می‌روم» حضرت فرمود: تو می‌روی، اما این جماعت را که آورده‌ای چه کار می‌کنی؟ بنابراین باید توجه داشت که جنس خطای خواص با جنس خطای عموم مردم متفاوت است و جبران آن نیز سخت‌تر است.

بنا بر صحبت‌های شما، تقوای دینی مردم و پیروی از ولی فقیه، دو عامل مهم در خلق حماسه‌ی 9دی بود. حضور مردم چه پیام‌های دیگری داشت؟

همان‌طور که اشاره شد مردم در روز 9دی آمدند و حساب خودشان را از برخی خواصی که به جایگاه ولی فقیه کم‌توجهی یا بی‌توجهی کردند جدا کردند، از آنها اعلام برائت کردند و در ضمن هشدار هم دادند. این حضور مردم پیامی بود به همه‌ی جریان‌های سیاسی آن روز. چه آنهایی که پیروز انتخابات شده بودند و چه آنهایی که نتوانسته بودند حد نصاب آراء را به دست آورند. حقیقت هم این است که مردم به چپ و راست اعتنایی ندارند، بلکه پای دین ایستاده‌اند و تنها وقتی با این جریان‌ها همراه می‌شوند که آنها با دین و ولایت همراه باشند. یکی از پیام‌های 9دی که همگان و به‌ویژه مسئولان نباید از آن غفلت کنند، این بود که مردم با هیچ کس تعارف ندارند.

فتنه‌ی 88 با تغییرات گسترده‌ای که در فضای سیاسی کشور ایجاد کرد، توانست عده‌ای از خواص را که تا پیش از آن در دایره‌ی نظام قرار می‌گرفتند، جابه‌جا کند. سؤال این‌جا است که چگونه می‌شود عده‌ای که در زمره‌ی هادیان جامعه قرار دارند، دچار غفلت می‌شوند و در برخی موارد به آن چیزهایی پشت می‌کنند که زمانی به آنها معتقد بودند؟

در این باره تاریخ بهترین گواه است؛ مخصوصاً تاریخ صدر اسلام که دوران کنونی ما بی‌شباهت به آن نیست. به عنوان نمونه، عمر بن سعد را مثال می‌زنم که در زمان حیاتش حتی تا مرز شهادت پیش رفت؛ شهادتی که درباره‌ی آن گفته‌اند: وَ لَيْسَ فَوْقَهُ بَرٌّ یعنی فرادست شهادت، هیچ خوبی دیگری نیست. عمر بن سعد سرلشکر علی علیه‌السلام و فردی بسیار متنفذ بود. حتی او در

رداب امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام و در جنگ صفین جابجای شد. عجیب این‌جا است که عیب‌دانه ابتدا حدم فرما بروی ری را نه حدش از گرگان تا همدان فعلی بود، به عمر سعد داد. او نیز چهار هزار نفر را بسیج کرد تا به ری برود و حکومت تشکیل دهد، اما عیب‌دانه او را نگهداشت و گفت: ما مشکلی داریم و تو برو مشکل ما را حل کن و بعد برو. در تاریخ آمده است که بعد از واقعه‌ی عاشورا عمر بن سعد دچار افسردگی شده بود؛ می‌نشست روی زمین و گریه می‌کرد و می‌گفت: هیچ سفرکرده‌ای به کوفه بدیختر از من نیست که دستم به خون حسین علیه‌السلام آلوده شد.



[مشاهده آلبوم تصاویر]

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای

یکی از ظرایف این ماجرا آن است که عمر بن سعد از ابتدا به قصد کشتن امام حسین علیه‌السلام نیامد، می‌خواست کار را به نحوی فیصله بدهد که هم خودش به حکمرانی برسد و هم مشکل عیب‌دانه حل شود. برای همین در آن چند شبی که در کربلا بودند، به همراه محافظان خود در خلوتگاهی با امام علیه‌السلام که ایشان هم با محافظان خود همراهی می‌شدند، به مذاکره پرداخت. مایل نبود این کار به ماجرای روز عاشورا بکشد. تا این‌که در روز هشتم یا نهم مخبرها خبر آوردند که شمر با حکمی از عیب‌دانه به سمت کربلا روانه شده است. شمر به عمر بن سعد گفت: من می‌خواهم با حسین بجنگم و اگر تو نمی‌خواهی، برو به سلامت! آن‌جا بین شمر و عمر بن سعد نوعی رقابت پیش آمد و نهایتاً سست‌عنصری عمر بن سعد سبب شد که به خاطر مظاهر دنیا دست به چنین جنایت هولناکی بزند و گرنه نه عمر بن سعد و نه حتی شمر، سابقه‌ی دشمنی با اهل بیت علیه‌السلام را نداشتند و هر دو از خواص و فرماندهان و سرداران حضرت علی علیه‌السلام شناخته می‌شدند.

البته ممکن است خواص خودشان هوشیار شوند و از گمراهی نجات پیدا کنند، اما متوجه باشند که باید پیروانی را هم که به واسطه‌ی آنها گمراه شده‌اند نیز نجات بدهند. در جنگ جمل وقتی امیرالمؤمنین علیه‌السلام با زبیر مواجه شد، او را خواست و با او حرف زد، استشهاد آورد و مباحثه‌ای با او کرد. زبیر فهمید که اشتباه کرده است و گفت «أقا! من با تو نمی‌جنگم و الان می‌روم» حضرت فرمود: تو می‌روی، اما این جماعت را که آورده‌ای چه کار می‌کنی؟ بنابراین باید توجه داشت که جنس خطای خواص با جنس خطای عموم مردم متفاوت است و جبران آن نیز سخت‌تر است.

پی‌نوشت‌ها:

1. رجزی که منسوب است به حضرت ابوالفضل العباس علیه‌السلام در نبرد روز عاشورا
2. سوره‌ی مبارکه‌ی آل‌عمران، آیه‌ی 200
3. کتاب الغیبة النعمانی، محمد بن ابراهیم، همان، ص 199، تهران مکتبه‌ی الصدوق
4. سوره‌ی مبارکه‌ی اعراف، آیه‌ی 201: همانا کسانی که [از خدا] پروا دارند، چون وسوسه‌ای از شیطان به ایشان برسد [خدا را] به یاد آورند و آگاه بینا شوند.
5. «أما من كان من الفقهاء صائناً لنفسه حافظاً لدينه مخالفاً على هواه مطيعاً لأمر مولاه فللعوام أن يقلدوه و ذلك لا يكون الا لبعض الفقهاء الشيعة لا كلهم.» از میان فقیهان آن که خویش‌تن‌دار، نگهبان دین، مخالف هوی و هوس خود و فرمانبردار امر مولای خویش است، بر مردم است که از وی تقلید نمایند و اینان برخی از فقیهان شیعه می‌باشند نه همه‌ی آنان" وسائل الشیعه جلد 18-ک، القضا-ب، 10-ص 95.

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) - مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی